



آشنایی با باستان‌شناسی

دکتر منصور حسین پور میزاب بهروز توکلی

امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.^۱

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتابخوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه مطالعه هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشأن خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد

1. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2696>

شده است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده اند.

دانشگاه پیام نور با گستره جغرافیایی ایران شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه جا و همه وقت، به عنوان دانشگاهی کتاب محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره گیری از تجربه های گرانقدر استادان و صاحب نظران برجسته کشورمان، کتاب ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه مهم و خطیر یاری رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه خطیر یاری می رسانند، سپاسگزاری می نمایم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام نور را منزلگاه اندیشه سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام نور

فهرست مطالب

پیشگفتار	نُه
مقدمه	یازده
فصل اول. تعاریف، نظریه‌ها و مفاهیم باستان‌شناسی	۱
هدف کلی	۱
هدف‌های یادگیری	۱
۱-۱ تعریف باستان‌شناسی	۲
۱-۱-۱ باستان‌شناسی، باستان‌شناسی است	۵
۲-۱-۱ باستان‌شناسی شاخه‌ای از علوم انسانی	۵
۳-۱-۱ باستان‌شناسی شاخه‌ای از جغرافیا	۶
۴-۱-۱ باستان‌شناسی شاخه‌ای از زیست بوم‌شناسی	۶
۵-۱-۱ باستان‌شناسی نویسندگی است	۷
۲-۱ نظریه‌های باستان‌شناسی	۷
۱-۲-۱ باستان‌شناسی سنتی	۷
۲-۲-۱ باستان‌شناسی روندگرا	۸
۳-۲-۱ باستان‌شناسی فراروندگرا	۹
۳-۱ برخی مفاهیم مهم در باستان‌شناسی	۱۰
۱-۳-۱ نظریه واحه‌ای	۱۰
۲-۳-۱ نظریه انقلاب	۱۰
۳-۳-۱ نظریه سیستم‌ها	۱۰
۴-۳-۱ اعصار سه‌گانه	۱۱
۵-۳-۱ نظریه منطقه هسته‌ای	۱۱
۶-۳-۱ نظریه تطور فرهنگی	۱۲

۱۲	۷-۳-۱ مفهوم انتشار و تهاجم.....
۱۲	۸-۳-۱ نظریه اعتبار اجتماعی.....
۱۳	خلاصه فصل اول.....
۱۴	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول.....
۱۷	فصل دوم. تاریخچه باستان‌شناسی در جهان و ایران.....
۱۷	هدف کلی.....
۱۷	هدف‌های یادگیری.....
۱۷	۱-۲ تاریخچه باستان‌شناسی در جهان.....
۱۸	۱-۱-۲ دوران اولیه.....
۱۸	۲-۱-۲ صدر مسیحیت و بیزانس.....
۱۹	۳-۱-۲ رنسانس.....
۱۹	۴-۱-۲ قرن هفدهم.....
۱۹	۵-۱-۲ عصر روشنگری.....
۲۰	۶-۱-۲ قرن نوزدهم.....
۲۱	۷-۱-۲ قرن بیستم.....
۲۲	۲-۲ تاریخچه باستان‌شناسی در ایران.....
۲۷	خلاصه فصل دوم.....
۲۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم.....
۳۱	فصل سوم. روش‌های کاوش در باستان‌شناسی.....
۳۱	هدف کلی.....
۳۱	هدف‌های یادگیری.....
۳۱	۱-۳ کاوش در باستان‌شناسی.....
۳۳	۲-۳ قواعد ثابت.....
۳۶	۳-۳ سیستم‌های کاوش.....
۳۶	۱-۳-۳ روش شبکه مربع‌های بازودار.....
۳۹	۲-۳-۳ روش محوطه باز.....
۴۰	۳-۳-۳ روش صفحه شطرنج.....
۴۱	۴-۳ اسلوب کاوش.....
۴۳	۵-۳ مستندسازی آثار در محل کاوش.....
۴۴	۶-۳ حفاظت و مرمت آثار در محل کاوش.....
۴۷	خلاصه فصل سوم.....
۴۸	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم.....
۴۹	فصل چهارم. روش‌های تاریخ‌گذاری در باستان‌شناسی.....
۴۹	هدف کلی.....

۴۹	هدف‌های یادگیری.....
۴۹	۱-۴ باستان‌شناسی و تاریخ‌گذاری.....
۵۰	۲-۴ تکنیک‌های تاریخ‌گذاری مطلق.....
۵۰	۱-۲-۴ سالیابی رشد حلقه‌های درختان.....
۵۱	۲-۲-۴ روش سالیابی کربن ۱۴.....
۵۲	۳-۲-۴ روش سالیابی ترمولومینسانس.....
۵۴	۳-۴ تکنیک‌های تاریخ‌گذاری نسبی.....
۵۵	۱-۳-۴ روش گونه‌شناسی.....
۵۵	۲-۳-۴ روش لایه‌نگاری.....
۵۶	خلاصه فصل چهارم.....
۵۷	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم.....
۵۹	فصل پنجم. آشنایی با تپه‌های باستانی مهم بین‌النهرین و ایران.....
۵۹	هدف کلی.....
۵۹	هدف‌های یادگیری.....
۶۰	۱-۵ بین‌النهرین.....
۶۱	۲-۵ دوره نوسنگی بین‌النهرین.....
۶۱	۱-۲-۵ جارمو.....
۶۴	۲-۲-۵ حسونا.....
۶۵	۳-۵ هزاره سوم ق.م تا هزاره اول ق.م.....
۶۶	۱-۳-۵ سومر قدیم.....
۶۸	۱-۳-۵ ۱-۱ معبد آنو.....
۶۸	۲-۳-۵ ۲ اکد.....
۶۹	۱-۲-۳-۵ ۱-۲ کاخ نارامسین.....
۷۰	۳-۵-۵ سومر جدید.....
۷۱	۱-۳-۳-۵ ۱-۳ زیگورات اور.....
۷۲	۴-۳-۵ ۴-۳ بابل قدیم.....
۷۲	۱-۴-۳-۵ ۱-۴ تل ریماح.....
۷۴	۵-۳-۵ ۵-۳ آشور قدیم.....
۷۶	۱-۵-۳-۵ ۱-۵ معبد آشور.....
۷۷	۶-۳-۵ ۶-۳ آشور جدید.....
۷۹	۱-۶-۳-۵ ۱-۶ دورشاروکین.....
۸۲	۷-۳-۵ ۷-۳ بابل جدید.....
۸۲	۱-۷-۳-۵ ۱-۷ شهر بابل.....
۸۷	۴-۵ دوره نوسنگی ایران.....
۸۸	۱-۴-۵ ۱-۴ تپه علی‌کُش.....

۹۲.....	۵-۴-۲ تپه سنگ چخماق.....
۹۴.....	۵-۴-۳ تپه زاغه.....
۹۷.....	۵-۴-۴ تپه سیلک.....
۹۸.....	۵-۴-۴-۱ سیلک ۱.....
۹۸.....	۵-۴-۴-۲ سیلک ۲.....
۱۰۰.....	۵-۴-۴-۳ سیلک ۳.....
۱۰۰.....	۵-۵ دوره مفرغ ایران.....
۱۰۱.....	۵-۵-۱ تپه حصار.....
۱۰۳.....	۵-۵-۱-۱ حصار ۱.....
۱۰۳.....	۵-۵-۲ حصار ۲.....
۱۰۴.....	۵-۵-۳ حصار ۳.....
۱۰۴.....	۵-۵-۲ تپه شهر سوخته.....
۱۰۷.....	۵-۶ دوره آهن ایران.....
۱۰۷.....	۵-۶-۱ تپه حسنلو.....
۱۰۹.....	۵-۶-۱-۱ ادوار سکونت در حسنلو.....
۱۱۰.....	۵-۶-۲ تپه مارلیک.....
۱۱۳.....	خلاصه فصل پنجم.....
۱۱۵.....	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم.....
۱۱۷.....	پاسخنامه.....
۱۱۹.....	منابع.....

پیشگفتار

باستان‌شناسی از دانش‌ها و ابزارهای فکری است که انسان امروزی را در فهم، ادراک و شناخت گذشته یاری می‌کند. باستان‌شناسان درون خاک را، به‌سان بزرگ‌ترین کتاب تاریخ بشریت می‌کاوند تا برای انبوه سؤالات ما درباره گذشته جوابی شایسته بیابند. باستان‌شناسی به‌عنوان یک دانش مستقل، همیشه مورد توجه سایر عرصه‌های علمی از جمله معماری بوده است. این دانش، مهم‌ترین ابزار کشف و معرفی آثار دوران پیش از تاریخ، دوران تاریخی و دوران اسلامی بوده و در شناسایی هرچه بیشتر آن‌ها نقش اساسی ایفا کرده است. کتاب حاضر تحت عنوان «آشنایی با باستان‌شناسی» برای دانشجویان رشته‌هایی تنظیم گردیده که آشنایی قبلی با تعاریف، تاریخچه، روش‌های حفاری، روش‌های تاریخ‌گذاری، گرایش‌ها و نظریات مختلف دانش باستان‌شناسی ندارند؛ به همین خاطر، چهار فصل اول کتاب، به مباحث مذکور اختصاص داده شده است. در فصل پنجم نیز، به‌صورت مختصر و هدفمند به مباحث مهم باستان‌شناسی بین‌النهرین و باستان‌شناسی ایران، پرداخته شده است. با در نظر داشتن این مهم که دانشجویان گرامی، در واحدهای درسی گوناگون، به مطالعه و یادگیری بقایای معماری دوران تاریخی و دوران اسلامی می‌پردازند، در فصل پنجم، بیشتر به معرفی و شناساندن تپه‌های باستانی و آثار شاخص معمارانه در دوران پیش از هخامنشی ایران، پرداخته شده است.

هرچند مؤلفین کتاب تلاش کرده‌اند تا مطالب ارائه شده به دور از هرگونه نقص و ایراد باشد. ولی امید است دانشجویان عزیز و خوانندگان گرامی، با ارائه پیشنهادها و نظرات سازنده خود، در تکمیل هرچه بیشتر این کتاب سهیم باشند.

مؤلفان

مقدمه

بی‌تردید، باستان‌شناسی یکی از حوزه‌های مطالعاتی مفید و کاربردی برای دانشجویان رشته‌های گروه هنر و معماری است؛ اگرچه همه این رشته‌ها، هر کدام به نوعی، می‌توانند از دستاوردهای این حوزه وسیع، بهره‌مند شوند، ولی میزان بهره‌مندی رشته‌هایی مانند مرمت بناهای تاریخی، بیشتر از بقیه است؛ چراکه آثار معماری یافت شده در محوطه‌های باستانی، به صورت مستقیم و از نزدیک توسط دانشجویان این قبیل رشته‌ها، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به همین خاطر، برای آشنایی اولیه دانشجویان، وجود درسی تحت عنوان «آشنایی با باستان‌شناسی» ضروری قلمداد شده است. در همین راستا، هدف مؤلفین کتاب نیز این بوده است که این آشنایی به بهترین نحو ممکن صورت بگیرد؛ بنابراین برای دستیابی به این مهم، این کتاب در پنج فصل تنظیم گردیده است؛ فصل اول شامل تعاریف، نظریه‌ها و مفاهیم باستان‌شناسی است و از این طریق تلاش شده تا ضمن ارائه تعریف دقیق از باستان‌شناسی، به توضیح مختصر برخی از نظریه‌ها و مفاهیم مهم باستان‌شناسی پرداخته شود. در فصل دوم، در دو بخش مجزا، تاریخچه باستان‌شناسی در جهان و ایران، بحث گردیده است. فصل سوم، به مطالعه روش‌های کاوش در باستان‌شناسی می‌پردازد؛ بدین صورت که در ابتدا، روش‌ها و سیستم‌های کاوش توضیح داده شده و در مرحله بعدی به صورت کوتاه، به مباحث مستندسازی آثار و حفاظت و مرمت آثار در محل کاوش پرداخته می‌شود. موضوع فصل چهارم، روش‌های تاریخ‌گذاری در باستان‌شناسی است که در دو بخش تاریخ‌گذاری

مطلق و نسبی مورد بحث واقع گردیده است. در آخرین فصل کتاب، که درواقع مهم‌ترین فصل کتاب نیز محسوب می‌شود، مهم‌ترین تپه‌های باستانی بین‌النهرین و ایران، معرفی شده است؛ محوریت این معرفی با آثار معماری بوده و به لحاظ زمانی در مبحث بین‌النهرین، آثار دوران نوسنگی تا دوران بابل جدید و در مبحث ایران، آثار دوران نوسنگی تا اواخر دوران آهن را شامل می‌شود.

فصل اول

تعاریف، نظریه‌ها و مفاهیم باستان‌شناسی

هدف کلی

آشنایی دانشجو با مفهوم باستان‌شناسی در لغت و اصطلاح، تعاریف مختلف باستان‌شناسی، انواع رویکردهای سستی و جدید باستان‌شناسی و ارتباط علم باستان‌شناسی با علوم گوناگونی مانند جغرافیا، زیست‌شناسی، تاریخ، انسان‌شناسی، هنر و غیره؛ آشنایی با گرایش‌های گوناگون باستان‌شناسی از باستان‌شناسی ادراکی گرفته تا باستان‌شناسی زن محور، از قوم باستان‌شناسی تا باستان‌شناسی زیر آب و ...، نظریه‌های تأثیرگذاری مانند نظریه واحه‌ای و ... و نظریه‌پردازان مشهور عرصه دانش باستان‌شناسی مانند گوردون چایلد و تامسن و

هدف‌های یادگیری

دانشجو پس از مطالعه این فصل می‌تواند:

۱. تصور دقیق و جامعی از علم باستان‌شناسی و رویکردهای متفاوتی که در تعریف آن وجود دارد، داشته باشد.
۲. فهم کاملی از سیر تحول تعریف باستان‌شناسی در طول زمان داشته باشد.
۳. ارتباط بین دانش باستان‌شناسی و سایر علوم مرتبط با آن را شرح داده و درک صحیحی از تأثیر این علوم بر همدیگر داشته باشد.
۴. گرایش‌های گوناگون باستان‌شناسی را نام برده و به‌طور کامل شرح دهد.

۵. مهم‌ترین نظریه‌های کاربردی باستان‌شناسی را توضیح داده و تحلیل‌های نظریه‌پردازان در این زمینه را بیان نماید.

۱-۱ تعریف باستان‌شناسی

وقتی سخن از باستان‌شناسی به میان می‌آید، بی‌درنگ حفاری و کندوکاو در سرزمین‌های دوردست مثل مصر و یونان به ذهن می‌آید. شاید هم تصویری از یک مجموعه اشیاء شکسته در جعبه‌ شیشه‌ای یا پشت ویتترین موزه‌ها تداعی می‌شود. ولی کمتر پیش می‌آید فکر خانه‌ای قدیمی در همسایگی خود یا تپه‌ماهورهای کنار جاده‌ای که مرتب از آن عبور می‌کنیم یا قطعه‌ای از یک کوزه سفالی که موقع بیل زدن باغچه خود یافته‌ایم، به ذهن راه یابد. درحالی‌که باستان‌شناسی تمامی این موارد ذکر شده را در برمی‌گیرد (ادکینز، ۱۳۸۲: ۸).

البته باستان‌شناسی را از دیدگاه‌های مختلفی تعریف کرده و نظریات متفاوتی در ارتباط با مفاهیم آن ارائه شده است. «واژه باستان‌شناسی برگردان فارسی کلمه انگلیسی آن (آرکئولوژی)^۱ است. هرچند تبار این واژه به یونان باستان می‌رسد، اما سرچشمه معنای امروزی آن به دوران روشنگری^۲ بازمی‌گردد. این واژه ترکیبی است از دو کلمه آرک^۳ (بن و بنیاد، خواستگاه، سرچشمه) و لوگوس^۴ (علت وجودی هر چیز). بر این اساس باستان‌شناسی را می‌توان به معنای فهم بن و بنیاد رویدادها و واقعیت‌ها و علت وجودی هر چیز به واسطه آثار آن چیز در نظر گرفت» (نوری شادمهانی، ۱۳۹۰: ۱۳۸). در اکثر فرهنگ‌های باستان‌شناسی نیز تعریف باستان‌شناسی را مطالعه گذشته انسان براساس بقایای مادی برجای‌مانده از او قلمداد کرده‌اند.

در برخی مواقع نیز، از باستان‌شناسی به‌عنوان شاخه‌ای از تاریخ نام برده می‌شود که البته تا حدودی صحیح است. تاریخ، مطالعه گذشته براساس اسناد مکتوب است و مورخ حوادث زندگی انسان‌ها را از آغاز پیدایش خط تا زمان حال را ثبت و ضبط می‌کند؛ درحالی‌که باستان‌شناس، مطالعه گذشته بشر براساس اشیاء و مدارک به دست

1. Archaeology

۲. عصر روشنگری (Age of Enlightenment) در تاریخ فلسفه اروپا اصطلاحی است که برای سده هجدهم میلادی یا دوره طولانی‌تر یعنی عصر خردگرایی در سده هفده و سده هجده میلادی به‌کار می‌رود.

3. Archeo

4. Logos

آمده از حفاری‌ها را به عنوان منبع اصلی اطلاعات خود به کار می‌گیرد. پس در باستان‌شناسی می‌توان کار بررسی زندگی بشر را بدون نیاز به هیچ سند مکتوبی مانند تمدن‌های دارای خط مطالعه و تحقیق کرد (ادکینز، ۱۳۸۲: ۸).

والتر تایلور^۱ که رسالهٔ دکترای خود را تحت عنوان (باستان‌شناسی) نوشته است، در تعریف باستان‌شناسی می‌نویسد: «باستان‌شناسی یک روش و مجموعه‌ای از فنون برای کسب اطلاعات فرهنگی است و باستان‌شناسان تکنسین هستند.» باستان‌شناسان سعی دارند تا براساس آثار و بقایای باقی‌مانده از فعالیت‌های انسانی تغییرات و سیر تکامل فرهنگ انسان را در طی گذشت زمان و در میان جوامع مختلف و در مکان‌های گوناگون با رعایت نظمی خاص مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. لذا آثار باستانی برای باستان‌شناسان ارزشی بسیار بالاتر از ارزش‌های مادی دارند. برای باستان‌شناسان آثار و مدارک و بقایای باستان‌شناسی شواهدی هستند، برای پیگیری و دریافت دقیق‌تر و روشن‌تر از چگونگی تغییرات فرهنگی و تحولات تکاملی زندگی انسان. به بیان دیگر، باستان‌شناسی روش‌هایی دارد که گردآوری اطلاعات از جوامعی که دیگر وجود ندارند را امکان‌پذیر می‌سازد؛ اما رشد علمی باستان‌شناسی در دهه‌های گذشته سبب شده است که برخی از روش‌های قوم‌نگاری نیز که هدفش مطالعه جوامع ابتدایی و سنتی کنونی است را برای کمک به تفسیر داده‌های باستانی مورد مطالعه قرار دهد. در بُعدی گسترده، باستان‌شناسی هم این جوامع و هم جوامع باستانی را که از آن‌ها تنها آثار مادی برجای مانده است، مطالعه می‌کند ولی تأکیدش بر روابط بین رفتار انسان و بازماندهٔ مادی او در درازمدت است؛ رفتارهایی مانند ساختن ابزار، پخت و پز، برپاکردن ساختمان و غیره؛ اما رفتارهایی نیز وجود دارد که گرچه در آن‌ها از مواد گوناگون استفاده می‌شود، ولی این مواد می‌توانند بسیار پیچیده‌تر و نامستقیم‌تر از - به عنوان مثال - داده‌های معماری باشند. برای نمونه بارداری و بچه‌دار شدن گرچه آثار مادی لمس‌شدنی که بتوان آن‌ها را پس از گذشت زمان بررسی کرد تولید نمی‌کند، ولی آثار مادی نامستقیم آن مانند گهواره، پستانک، لباس‌های نوزاد و اسباب‌بازی شواهد ملموس این رفتار هستند که ممکن است برجای مانده و مطالعه شوند. پس بازمانده‌های مادی می‌توانند همهٔ چیزهایی را در برگیرند که رفتار انسان در شکل‌گیری و آفرینش آن‌ها دخالت داشته است؛ مانند ظروف، آثار معماری، ابزار، نقوش، تندیس‌ها، کانال‌های آب و گورها. از آنجا که بازمانده‌های مادی

۱. Walter Taylor (۱۹۱۳ م - ۱۹۹۷ م)، باستان‌شناس و انسان‌شناس آمریکایی.

ملموس‌اند می‌توان آن‌ها را از نظر کیفی و کمی اندازه‌گیری کرد و مورد آزمایش‌های گوناگون فیزیکی و شیمیایی قرار داد. از این‌رو باستان‌شناسان از دیگر علوم و فنون نیز کمک می‌گیرند. برای نمونه از مهندسين معمار در نقشه‌کشی و نقشه‌برداری و مطالعه چگونگی برپایی ساختمان‌ها، از گیاه‌شناسان در مطالعه دانه‌های گیاهی و گرده‌گل‌ها، از جانورشناسان در مطالعه استخوان جانوران و تعیین نوع آن‌ها و نیز از آسیب‌شناسان در مورد بیماری‌هایی که همراه با ضایعات استخوانی است، کمک گرفته می‌شود (علیزاده، ۱۳۸۵: ۵۶). پس اگرچه برخی از مردم تصور می‌کنند که باستان‌شناسی مجموعه‌ای از روش‌ها نظیر ثبت دقیق، حفاری درست و تحلیل مشروح و کامل آزمایشگاهی است. ولی این تعریف برداشت محدودی است که صرفاً به عمل باستان‌شناسی و عملیات میدانی کشف اطلاعات از زمین مربوط می‌شود. در صورتی که باستان‌شناسی جدید چیزی به مراتب بیشتر از گردآوری روش‌هاست؛ زیرا نه تنها به اکتشاف، گردآوری و توضیح موارد مربوط به گذشته می‌پردازد، بلکه تفسیر آثار و مدارک مکشوفه از زمین را نیز انجام می‌دهد. در واقع باستان‌شناسی رشته علمی مؤثری است که میان کاوش‌های علمی باستان‌شناسی و توصیف و تفسیر ارتباط و توازن برقرار می‌سازد (فاگان، ۱۳۹۰: ج ۱/ ۴۸). البته ذکر این نکته ضروری است که باستان‌شناسان جدید در دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ میلادی بر این موضوع که باستان‌شناسی یک علم محسوب می‌شود، معتقد بوده و در راستای این اعتقاد، به فلسفه علمی کارل همپل^۱ روی آوردند. به نظر همپل آنچه به رشته‌ای شخصیت علمی می‌دهد سنجش فرضیات با کمک مدارک و تدوین قوانین فراگیر است. برخی، حتی باستان‌شناسی را علمی (کمی) چون فیزیک شمرند؛ اما این تعریف از باستان‌شناسی با تعریف موردپسند پیروان مکتب تاریخ فرهنگی که باستان‌شناسی را (هنر) یا شاخه‌ای از علوم انسانی می‌دانستند، در تضاد شدید بود. فقط معدودی از باستان‌شناسان پیرو مکتب تاریخ فرهنگی به قوانین جهان‌شمول برای توضیح فرایندهای فرهنگی یا استنتاج- سنجش فرضیات براساس مدارک- اعتقاد داشتند (دارک، ۱۳۷۹: ۲۹).

همان‌طور که مشاهده کردید، هدف و هویت باستان‌شناسی را به اشکال مختلف می‌توان تفسیر کرد. این دو مفهوم در مباحث نظری باستان‌شناسی جایگاهی چنان مهم و بنیادی دارد که داشتن دیدگاهی از آن‌ها تعیین کننده چگونگی کار باستان‌شناسی

۱. کارل گوستاو همپل (Carl Gustav Hempel) از چهره‌های برجسته فلسفه علم و اثبات‌گرایی منطقی در قرن بیستم است.

است. مثلاً رنفرو^۱ (۱۹۷۲) بر هویت علمی باستان‌شناسی تأکید کرده است. از طرفی هم، بینفورد^۲ باستان‌شناس آمریکایی (۱۹۳۰) رهیافت‌های انسان‌شناسانه را به‌منظور تفسیر مدارک مادی به کار بسته، از باستان‌شناسی جدید و روش‌های حفاظتی نو در باستان‌شناسی صحبت می‌کند. برخی محوطه‌های باستانی را در بافت محیط زیستی اطرافشان مطالعه می‌کنند و باستان‌شناسی را (زیست‌بوم‌شناسی انسانی) می‌شمرند، برخی باستان‌شناسی را نوعی هنر می‌دانند و رهیافت‌های متداول در تاریخ هنر را در این زمینه به کار می‌بندند. این نوع تنوع نشان می‌دهد که پژوهش‌گران مختلف برحسب بینشی که از باستان‌شناسی دارند، ممکن است از دیدگاه‌های مختلف به باستان‌شناسی نگاه کنند (Ellis, 2000: 68-87). در ادامه مطالب سعی می‌شود به چگونگی برخی از مهم‌ترین این دیدگاه‌ها پرداخته شود.

۱-۱-۱ باستان‌شناسی، باستان‌شناسی است

بی‌تردید ساده‌ترین راه برای تعریف باستان‌شناسی اذعان به این نکته است که باستان‌شناسی موضوعی منحصربه‌فرد است یا بقول دیوید کلارک^۳ «باستان‌شناسی، باستان‌شناسی است». دیوید کلارک اولین کسی بود که باستان‌شناسی را مستقل و منحصربه‌فرد خواند و آن را شاخه‌ای از علوم «گسترده‌تر» یا «جاافتاده‌تر» مانند تاریخ یا انسان‌شناسی محسوب نکرد. پژوهش‌گرانی چون مورتیمر ویلر^۴ پیشتر چنین دیدگاهی را درباره باستان‌شناسی مطرح و بر هویت مستقل و نقش باستان‌شناسی در افزودن به دانش بشری تأکید کرده بودند. این تعریف باستان‌شناسی بر ویژگی‌های منحصربه‌فرد باستان‌شناس در گستره علوم تأکید دارد. با این حال به‌جز منابع اطلاعاتی و روش‌های میدانی به‌ندرت می‌توان رهیافتی را یافت که مختص باستان‌شناسی باشد؛ بنابراین جای تعجب نیست که بیشتر دست‌اندرکاران تعریفی از باستان‌شناسی جسته‌اند که بر ارتباط آن با دیگر شاخه‌های علمی تأکید دارد (دارک، ۱۳۷۹: ۲۰).

۱-۱-۲ باستان‌شناسی شاخه‌ای از علوم انسانی

در دهه ۱۹۶۰ گروهی از باستان‌شناسان جدید به این نتیجه رسیدند که هویت

1. Colin Renfrew

2. Lewis Roberts Binford

3. David Leonard Clarke

4. Mortimer Wheeler

باستان‌شناسی را کشف کرده‌اند. این گروه از باستان‌شناسان معتقد بودند که باستان‌شناسی شاخه‌ای از انسان‌شناسی است. در سال ۱۹۶۲ لوئیس بینفورد در اثر ماندگار خود (باستان‌شناسی به مثابه انسان‌شناسی)^۱ ارتباط باستان‌شناسی و انسان‌شناسی را مطرح کرد. طبق نظر ایشان «باستان‌شناسی انسان‌شناسی در گذشته است.» ارتباط با باستان‌شناسی و انسان‌شناسی حتی گروهی را برانگیخته تا نام‌های جالبی چون (دیرین‌انسان‌شناسی) برای باستان‌شناسی بیابند (Binford, 1962: 217-222).

۱-۱-۳ باستان‌شناسی شاخه‌ای از جغرافیا

گروهی دیگر از پژوهش‌گران هستند که باستان‌شناسی را نه شاخه‌ای از انسان‌شناسی که شاخه‌ای از جغرافیا می‌دانند. براساس این دیدگاه، باستان‌شناسی، جغرافیا در زمان گذشته است نه انسان‌شناسی. یا حداقل اینکه باستان‌شناسی، چارچوب زمانی لازم را فراهم می‌آورد تا داده‌های جغرافیایی مربوط به دنیای معاصر را براساس آن مرتب کنیم. تعجبی ندارد که باستان‌شناسی در ردیف مطالعات جغرافیایی قرار گرفته و هویتی جغرافیایی یافته است چرا که جغرافیای تاریخی رشته‌ای با سابقه و جافتاده است با این حال باستان‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از جغرافیا از تعاریفی است که کمتر رواج یافته است (دارک، ۱۳۷۹: ۲۰).

۱-۱-۴ باستان‌شناسی شاخه‌ای از زیست بوم‌شناسی

تا دهه ۱۹۲۰ مجموعه‌ای جدید از مفاهیم بنیادی در چارچوب زیست‌بوم‌شناسی شکل گرفتند که باعث تحول و تغییر در برخی مفاهیم باستان‌شناسی شدند (رنفریو، ۱۳۹۰: ۱۳۳). فضای به وجود آمده باعث شد تا کارل باتزر^۲ (۱۹۸۲) در کتاب مهمش (باستان‌شناسی را به عنوان زیست‌بوم‌شناسی انسانی)^۳ باستان‌شناسی را به گونه‌ای دیگر تعریف کند. به نظر باتزر، باستان‌شناسی مطالعه ارتباط بین انسان‌ها، جانوران، گیاهان و محیط‌زیست طبیعی آن‌ها در زمان گذشته است؛ یعنی به همان شکلی که جانورشناس ارتباط بین یک شیر و محیط‌زیست طبیعی آن را مطالعه می‌کند. چنین به نظر می‌رسد که تعریف باستان‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از زیست‌شناسی رفته‌رفته محبوبیت خود را

1. Archaeology as Anthropology

2. Karl Butzer

3. Archaeology as Human Ecology

از دست می‌دهد؛ اما هنوز عده زیادی هستند که به آن معتقدند. این تعریف با دیدگاه‌هایی ارتباط دارد که انسان را موجودی همچون دیگر موجودات زنده می‌داند و بر ارتباط انسان با محیط زیست طبیعی‌اش تأکید می‌کند؛ اما برخلاف باستان‌شناسانی که به جامعه‌شناسی براساس زیست‌شناسی متمایل‌اند، پیروان تعریف دیگری نیز هستند که معتقدند نوع بشر را مشخصات منحصر به فردش، از دیگر موجودات متمایز می‌سازد. این دیدگاه کار را به افراط کشانده و به شکل‌گیری دیدگاهی کاملاً متفاوت در مورد باستان‌شناسی انجامیده است (دارک، ۱۳۷۹: ۲۵).

لازم به ذکر است که در باستان‌زیست‌بوم‌شناسی چهار شاخه عمده به ترتیب ۱. باستان‌زمین‌شناسی، ۲. باستان‌گیاه‌شناسی، ۳. باستان‌جانورشناسی و ۴. باستان‌زیست‌شناسی، مورد مطالعه باستان‌شناسان قرار می‌گیرد (عبدی، ۱۳۸۰: ۱۸).

۱-۱-۵ باستان‌شناسی نویسنده‌گی است

جالب اینجاست که گروهی از محققان کار را به آنجا کشانیده‌اند که باستان‌شناسی را نوعی نویسنده‌گی می‌دانند. این باستان‌شناسان گزارش‌ها یا مقاله‌های باستان‌شناختی را به چشم نوشته‌ای نگاه می‌کنند که همچون داستانی خیالی زاینده اوضاع و احوال زمان خود و شخصیت نویسنده‌اش است (دارک، ۱۳۷۹: ۲۶).

۱-۲-۲ نظریه‌های باستان‌شناسی

به‌طور کلی، در باستان‌شناسی نظریه‌ها در سه دسته زیر قرار دارند: ۱. سنتی (کلاسیک)، ۲. روندگرا (نو) و ۳. فرا روندگرا (پساروندگرا).

۱-۲-۱ باستان‌شناسی سنتی

پایه‌های باستان‌شناسی، در سده‌های ۱۷ و ۱۸. م به‌گونه‌ای علمی نهاده شد. سپس برای نخستین بار در سده‌های ۱۸ و ۱۹. م شیوه‌های علمی با تکیه بر جبرگرایی، ماده‌گرایی و تطورگرایی به‌منظور تلاش برای تفسیر و تبیین جهان و تاریخ به کار رفت (Wenke, 1999: 19). باستان‌شناسی کلاسیک بر این بود تا به مطالعه ابزارهای روم و یونان باستان، تمرکز بر ارتباطات بین آثار هنری روم و یونان و فرهنگ ادبی بپردازد (Morris, 2004: 257). محدودیت‌های بررسی باستان‌شناسان کلاسیک که

کار آن‌ها را زیر سؤال می‌برد، شامل سه موضوع اصلی است. نخست، تمرکز اصلی بر خود ابزارها است چنان‌که در کاوش‌ها فقط بر چاپ تصویر سفال‌ها متمرکز می‌شدند، زیرا علوم به این نشریات احتیاج داشت. آن‌ها به‌ندرت پروژه را کنترل می‌کردند؛ اما در مقابل در بررسی‌ها، به داده‌ها توجه بیشتری می‌شد و بیشتر هدف نهایی آن‌ها حرکتی فراتر از اشیاء پست بود و الگوهای استقرار از بین رفته را زنده می‌کرد. دوم، بررسی جدی بدون علوم خاک غیرممکن بود. باستان‌شناسی کلاسیک به انواع تخصص‌های جدیدی تأکید می‌کرد که هدف آن‌ها پذیرش این نکته بود که بیشتر از یک علم برای باستان‌شناسی نیاز هست. سوم، بررسی‌ها نمی‌توانند همان حدود و ثغور گذشته کلاسیک خود را تنها برای انتخاب محوطه حفظ کنند (Moris, 2004: 258).

۱-۲-۲ باستان‌شناسی روندگرا

باستان‌شناسی روندگرا که تا حدود زیادی متأثر از مدرنیسم بود، در دهه‌های ۶۰-۱۹۵۰ م. پدید آمد (Hodder et al. 1995: 243). در واقع ظهور این نوع از باستان‌شناسی، حرکتی مثبت در این علم محسوب می‌گردد. این نوع از باستان‌شناسی که براساس اندیشه‌های مدرن و اثبات‌گرایانه پدید آمده بود (Preucel, 1991: 26)، همچنین سعی در توضیح داده‌ها و فهم آن‌ها براساس تحلیل‌های آماری، محاسبه و استفاده از روش‌های ریاضی داشت (Shaw, 2002: 479). در واقع هدف باستان‌شناسی روندگرا یافتن قوانین عمومی برای توضیح سیستم‌ها و تغییرات فرهنگی است (Macnairn, 1980: 105). حامی پیشگام این روش جدید تفکر در دهه ۱۹۶۰ لوئیس بینفورد باستان‌شناس آمریکایی بوده است (رنفریو، ۱۳۹۰: ۳۳۷) که در آن، بر استفاده از روش‌های علمی و رایانه‌ها تأکید فراوان می‌شد (فاگان، ۱۳۹۰: ۱۱۱). این نوع باستان‌شناسی، استنتاج را از بالا به پایین قبول می‌کند؛ یعنی رسیدن به موارد جزئی از جمع‌بندی‌های کلی.

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در باستان‌شناسی روندگرا مطرح است، نگاه سیستمی به داده‌های باستانی است. در این سیستم ارتباط واقعی بین زیرسیستم‌ها وجود دارد. به‌عنوان مثال رابطه محصولات کشاورزی و دامی و محیط طبیعی یک منطقه و یا ارتباط میان شرایط آب و هوایی و تراکم جمعیت که همگی آن‌ها بر رفتارهای انسانی و